

فصل سیزدهم

نتیجه گیری

گسست‌های سیاسی پی در پی تاریخ ایران "جامعه‌ای کوتاه مدت"، بدون فرصت کافی برای انباشت ثروت مادی و معنوی برای رفاه همه مردم کشور، به وجود آورده‌اند.^۱ سرگذشت روزنامه‌نگاری ایران از زمان انقلاب در نخستین نگاه شاهدی بر ادامه همان گسستگی به نظر می‌رسد: یک ربع قرن با دو دوره رشد سریع، یکی به مدت چند ماه در پایان سال ۱۳۵۷ و آغاز ۱۳۵۸، و دیگری بلندتر - از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ - که هر دو "بهار آزادی" نام گرفتند، و به دنبال هریک دوره‌ای با توقیف ده‌ها نشریه. با اولین دور تعطیل مطبوعات، تعداد قابل توجهی از روزنامه نگارانی که پیش از انقلاب تجربه آموخته بودند کنار گذاشته شدند. توقیف‌های پس از دومین "بهار آزادی"، هم ده‌ها روزنامه‌نگار تازه‌کار، و هم شماری از حرفه‌ای‌های قدیمی باقی مانده را از کار بازداشتند، و برخی را به بیرون کشور راندند.

اما در پس این پرده تیره رنگ، تصویری پیچیده‌تر شکل گرفته که در آن روشنی‌هایی هم به چشم می‌خورد. مهم‌ترین پیشرفت، رشد کمی مطبوعات است که به‌ویژه در سال ۱۳۷۶ با انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری شتاب گرفت. در پایان سال ۱۳۸۳ ایران دارای بیش از ۱,۲۰۰ نشریه و بیش از ۵,۰۰۰ زن و مرد روزنامه‌نگار بود که بیشتر یا تمام درآمد خود را از این حرفه به دست می‌آوردند - تقریباً ده برابر پیش از انقلاب - در حالی که در همین مدت جمعیت کشور تنها دو برابر شده بود.

تعداد زنان روزنامه‌نگار حتی از این هم سریع‌تر رشد کرده و از کم‌تر از ده درصد پیش از انقلاب به حدود بیست و پنج درصد کل روزنامه‌نگاران رسیده است. زنان روزنامه‌نگار در پیشبرد حقوق زن در ایران و در حرفه روزنامه‌نگاری نقش بزرگی داشته‌اند و در کشمکش‌های دولت و مطبوعات هم گرفتار شده‌اند. با وجود این، سهم زنان در رده‌های بالای روزنامه‌نگاری ایران اندک است و کم‌تر از ده درصد صاحبان نشریات زن‌اند.

در چند سال گذشته تعدادی نشریه به زبان اقلیت‌های ایران ظاهر شده‌اند، اما نه به آن اندازه که تنوع قومی و فرهنگی کشور را به درستی نشان بدهند. سهم اقلیت‌ها به‌ویژه در رادیو و تلویزیون ناچیز بوده. در طراحی، صفحه‌بندی، گرافیک، عکاسی، و چاپ پیشرفت‌های چشمگیری به‌دست آمده، به‌ویژه در نشریات سودآور تخصصی که می‌توانند از کارکنان با تجربه‌تر و تجهیزات بهتری استفاده کنند. اما کیفیت زبان

^۱ برای آشنائی با مفهوم "جامعه کوتاه مدت" نگاه کنید به دیالکتیک دولت و جامعه در ایران، نوشته دکتر همایون کاتوزیان، ترجمه علیرضا طیب، نشرنی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲.

نوشتاری به همین اندازه بهبود نیافته و بیشتر مطبوعات در موقعیتی نیستند که بتوان گفت اخبار دقیق، منصفانه، متوازن و جامعی در اختیار خوانندگان می‌گذارند. توقیف‌های پی در پی و کنارگذاشته شدن شماری از بهترین روزنامه‌نگاران کشور، همکاران جوان تر آنان را از فرصت تجربه آموزشی محروم کرده.

دانشجویان روزنامه‌نگاری، و روزنامه‌نگاران شاغل، به آموزش و بازآموزی مهارت‌های روزنامه‌نگاری، کار با رایانه و اینترنت، زبان فارسی و دیگر زبان‌های رایج در ایران، زبان‌های خارجی، تاریخ ایران و جهان، اقتصاد، و مدیریت رسانه‌ها نیازمندند. با توجه به نقش رادیو، تلویزیون و اینترنت در پخش اطلاعات اولیه درباره مسائل بسیار متنوع، روزنامه‌نگاران هنگامی در جلب توجه مردم موفق خواهند شد که بتوانند با ارائه اطلاعات بیشتر درباره زمینه و پیشینه و تحلیل کارشناسانه رویدادها به خوانندگان کمک کنند که به جای غافلگیر شدن، برای برخورد آگاهانه و فعال با تحولات آینده آماده شوند.

اگرچه تعداد مراکز آموزش روزنامه‌نگاری در ایران افزایش یافته، کمبود تجهیزات و فرصت تجربه و تکیه بیش از حد بر مفاهیم انتزاعی و نظری به کیفیت آموزش صدمه زده است. روزنامه‌نگاران ایرانی به ملاقات با همکاران خود در کشورهای دیگر و مبادله اندیشه و تجربه با آنان نیز نیاز دارند. در چند سال گذشته، با افزایش کتاب‌ها و دیگر منابع و امکانات آموزش روزنامه‌نگاری، به‌ویژه دوره‌های عملی و دیدارهای آموزشی از رسانه‌های کشورهای دیگر، گام‌های دلگرم‌کننده‌ای برای حل این مشکلات برداشته شده.

آموزش حرفه‌ای زمانی موثر خواهد بود که در محیط کار پیگیری و پشتیبانی شود. بهبود واقعی و پایدار مهارت‌های چند هزار روزنامه‌نگار ایرانی تنها هنگامی ممکن خواهد بود که بالاترین معیارهای حرفه‌ای در صدا و سیما، خبرگزاری رسمی، و سازمان‌های بزرگ مطبوعاتی کشور به کارگرفته شوند. بدون بهبود این نهادها، جریان قابل اعتماد اطلاعات و اخباری که برای زندگی سالم جامعه‌ای بزرگ، عمدتاً شهرنشین، عمدتاً باسواد، و بیش از پیش صنعتی ضروری است، در دسترس اکثریت مردم ایران نخواهد بود.

به دنبال تغییر مدیریت صدا و سیما در سال ۱۳۸۳، نقد حرفه‌ای برنامه‌ها تا حدی جای حمله‌های کاملاً سیاسی به آن سازمان را گرفت. خود صدا و سیما نیز در مقایسه با سال‌های پیش که با اتهام موضع‌گیری علیه اصلاح‌طلبان روبرو بود طیف سیاسی گسترده تری را در برنامه‌هایش منعکس کرد. اگرچه ممکن است این گسترش فضا برای افزایش شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ انجام شده باشد، چه بسا چنین تحولاتی که عمری طولانی تر از مصلحت روز پیدا می‌کنند.

کیفیت کار خبرگزاری جمهوری اسلامی در دوره مورد نظر این پژوهش بهتر شده بود، بهبودی که بی شک تا حدی نتیجه رقابت چندین خبرگزاری جوان تر بود. اما تغییر چارچوب اداری خبرگزاری و تبدیل آن از بخشی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به یک نهاد مستقل در بخش عمومی می‌تواند توانایی حرفه‌ای آن را افزایش بدهد.

به کار گرفته شدن معیارهای حرفه‌ای بالاتر در قدیمی‌ترین روزنامه‌های کشور، کیهان و اطلاعات، و در نتیجه افزایش تیراژ و درآمد آن‌ها، نه تنها به تأمین هزینه‌های این دو سازمان متکی بر بودجه عمومی کشور کمک خواهد کرد، بلکه اعتبار نهادهایی را که بخشی از میراث فرهنگی معاصر کشورند افزایش خواهد داد.

پیدایش بیش از پانزده انجمن صنفی مطبوعاتی یکی از دیگر از تحولات مثبت در روزنامه‌نگاری ایران است. اغلب این سازمان‌ها کوچکتر از آنند که بتوانند کاری بیش از صدور کارت عضویت و آشنا کردن اعضاء با یکدیگر انجام دهند. اما بزرگترین آنان، "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، علاوه بر کوشش برای دفاع از آزادی مطبوعات، به اعضاء خود در حل اختلاف با کارفرمایان و تهیه مسکن نیز کمک کرده است.

افزایش تأثیر انجمن‌های صنفی مطبوعات در گرو این خواهد بود که علاوه بر کارکنان مطبوعات، خبرنگاران و برنامه‌سازان رادیو و تلویزیون و خبرگزاری‌ها و نشریات الکترونیکی را نیز به عضویت بپذیرند. فرود آوردن دیوار سیاسی سنتی میان مطبوعات و رادیو تلویزیون ایران به انجمن‌ها امکان آن را خواهد داد که بر معیارهای حرفه‌ای رایج در "صدا و سیما" که بزرگترین منبع خبر، اطلاعات، و سرگرمی در ایران است تأثیر بگذارند.

روزنامه‌نگاران ایرانی علاوه بر فشارهای سیاسی، از درآمد ناکافی، نایمینی اشتغال و محیط نامناسب کار نیز شکایت کرده‌اند و گفته‌اند این شرایط می‌تواند به فساد، به شکل قبول پول برای نوشتن مطالبی موافق میل صاحبان ثروت و قدرت - به‌ویژه در گزارش تحولات اقتصادی و مالی - منجر شود. برای برخورد با این مشکلات، طرح‌های تازه‌ای با هدف تعریف معیارهای اخلاقی روزنامه‌نگاری و تثبیت آن‌ها از راه قانون‌گذاری تهیه شده‌اند.

طرح دیگری نیز برای تشکیل "شورای رسانه‌ها"ی ایران، با شرکت اعضای انجمن‌های روزنامه‌نگاران و سایر سازمان‌های دست‌اندرکار، تهیه شده تا از روزنامه‌نگاران در مقابل فشارهای سیاسی پشتیبانی کند و به آنان کمک کند که نظارت و تنظیم حرفه خود را به دست بگیرند. چنین شورایی شاید بتواند برای دو مشکل دیگر روزنامه‌نگاری ایران نیز راه حلی بیابد. یکی از این دو، مسأله امتیاز انتشار است که بسیاری روزنامه‌نگاران آن را ابزاری برای اعمال نظر سیاسی می‌دانند و خواهان لغو آنند. مشکل دیگر یارانه‌های دولتی است که بخش بزرگتر آن در اختیار مطبوعات وابسته به حکومت قرار می‌گیرد و از توانایی رقابت مطبوعات مستقل کاسته است. از آنجا که نظام امتیاز انتشار و یارانه‌ها هر دو در آینده قابل پیش‌بینی به جای خود خواهند ماند، شاید بهتر باشد روزنامه‌نگاران همراه با کوشش بلندمدت برای حذف آن‌ها، در کوتاه مدت درخواست کنند که خود آنان نیز از طریق "شورای رسانه‌ها" در تصمیم‌گیری در مورد صدور امتیاز و پرداخت یارانه شرکت داشته باشند. "شورای رسانه‌ها" می‌تواند پس از مشورت گسترده با اهل فن و صاحب نظران، با تنظیم معیارهایی شفاف، نظام صدور امتیاز و پرداخت یارانه را سیاست زدائی کند. شایسته است یکی از بالاترین اولویت‌های این شورا پشتیبانی از نشریات کوچکی باشد که نمی‌توانند از راه فروش و یا آگهی هزینه‌های خود را تأمین کنند، اما از میان رفتنشان برای فرهنگ ایران زیانبار خواهد بود.

ز طرف صد سال پس از انقلاب مشروطه، شش قانون مطبوعات در ایران تصویب شده، هر بار در جوی بسیار سیاسی، و با هدف محدود کردن آزادی مطبوعات، نه محافظت از آن. کوشش روزنامه‌نگاران برای اصلاح قانون مطبوعات به ندرت به نتیجه رسیده، تا حدی به این سبب که این کوشش‌ها غالباً به شکل مبارزات سیاسی، نه حقوقی، و بدون آگاهی و پشتیبانی کافی مردم صورت گرفته‌اند. قانون فعلی مطبوعات را، که در سال ۱۳۷۹ در مجلسی با اکثریت محافظه‌کار به تصویب رسید، حتی برخی از سیاستمداران محافظه‌کار نارسا خوانده‌اند و اصلاح آن در برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۸-۱۳۸۴) وعده داده شده بود. بنابراین ممکن است قانونگذاران اصلاح‌طلب و محافظه‌کار بتوانند با همکاری روزنامه‌نگاران برای رفع آشفتگی و ابهام‌های قانون اقدام کنند.

روزنامه‌نگاران ایران از کم‌آشنائی با قانون به‌طور کلی و قانون مطبوعات به‌طور مشخص نیز صدمه دیده‌اند. به گفته کارشناسان حقوقی در ایران، آگاهی بیشتر از قانون می‌توانست مطبوعات را از برخی مشکلاتی که به آن دچار شده‌اند برکنار نگاه دارد؛ به روزنامه‌نگاران کمک کند در مقابل اتهام‌ها بهتر از خود دفاع کنند؛ و در صورت تضییع حقوقشان ابزارهای حقوقی موجود را به کار بگیرند. در این زمینه، روزنامه‌نگاران می‌توانند از حکومت توقع کمک داشته باشند، شاید به این شکل که قوه قضائیه، که بسیاری آن را دشمن آزادی مطبوعات تلقی می‌کنند، برای روزنامه‌نگاران دوره‌های آموزش حقوق برگزار کند.

اجرای این پیشنهادها به کوشش همگانی روزنامه‌نگاران، پشتیبانی انجمن‌های صنفی آنان و سایر سازمان‌های جامعه مدنی، و شرکت وسیع مردم نیاز خواهد داشت، و این هنگامی ممکن خواهد بود که روزنامه‌نگاران از کار و موقعیت خود درک مشترکی داشته باشند. روزنامه‌نگاران ایران مدتها یا «نوکر دولت» و «قلم به مزد» تلقی می‌شدند، یا «مبارز»، «قهرمان»، «جان باخته»، و «شهید» راه «حقیقت» و «آزادی». اما برخی روزنامه‌نگاران سرشناس امروز ایران معتقدند روزنامه‌نگارمسئول، اگرچه ممکن است نتواند برای مشکلات پیچیده خوانندگان راه حل‌های معجزه آسا ارائه کند، می‌تواند اطلاعاتی در اختیار خواننده بگذارد که او را در یافتن راه حل یاری دهد. انجام این خدمت به مهارتی نیاز دارد که با مدت‌ها تجربه و آموزش به دست خواهد آمد، نه هنگامی که روزنامه‌نگار با نوشتن نخستین مطلب به ظاهر «دوران ساز»، کار، آزادی، و شاید زندگی خود را از دست بدهد. پس از یک قرن کوشش و مبارزه، به نظر می‌رسد آگاه کردن مردم ایران از آنچه در کشورشان و جهان می‌گذرد از «رسالت» به «حرفه» تبدیل شده است.